

مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان

دوره دوم، شماره بیست و هشتم و بیست و نهم

بهار و تابستان ۱۳۸۱، صص ۲۸ - ۱

ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی

نخستین مفسر بزرگ اصفهان (۳۲۳-۲۵۴ ه.ق)

دکتر سید احمد تویسرکانی*

چکیده

در این مقاله نگارنده در مقام معرفی یکی از رجال علمی اصفهان است که نام و آرای او از قرن چهارم اسلامی تا کنون در تفاسیر بزرگ و معروف شیعه و اهل تسنن دیده می شود، ولی با گذشت یازده قرن تمام، از خصوصیات زندگانی و استادان و شاگردان او اطلاعات دقیقی در دست نیست، و حتی کسانی که با کتب تفسیر سر و کار دارند و از او نام می برند جز نامی بیش از او نمی شناسند.

شیخ الطایفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی در مقدمه تفسیر تبیان او را ستوده، و امام فخر رازی در تفسیر مفاتیح الغیب بیش از سایر مفسرین به بیان اقوال و آرای او پرداخته، و نیز شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی در تفسیر مجمع البیان، و از متأخرین مرحوم علامه طباطبائی در تفسیر المیزان چنانکه در آغاز سوره «الشوری» ذیل «جمعسق» در معانی قوایح سوره یازده قول از مفسرین به نقل از تفسیر مجمع البیان آورده، که در پایان قول یازدهم فرموده:

و هو مروی عن قطرب^۱ و اختاره ابومسلم الاصبهانی و الیه یمیل جمع من المتأخرین. این قول از قطرب روایت شده و آن را ابومسلم اصفهانی برگزیده و گروهی از مفسرین متأخر آن را پسندیده اند و عبارت طبرسی چنین است:

«وهو المحکمی عن قطرب و اختاره ابو مسلم محمد بن بحر الاصفهانی». در کتب تفاسیر از ابو مسلم با اسامی مختلف یاد شده مثل ابو مسلم (به‌طور مطلق)، ابن بحر، اصفهانی، ابو مسلم اصفهانی، محمد بن بحر، ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی، ابو مسلم محمد بن بحر، و در دو مورد نام والد او تصحیف و تغییر یافته و آمده ابو مسلم محمد بن یحیی.

۱- در تفسیر تبيان، سورة بقره، ذیل آیه ۳۵.

۲- در تفسیر مفاتیح الغیب، سورة بقره، ذیل آیه ۱۵.

و این اشتباه سبب شده که در یکی از فهرس تفسیر امام فخر تنظیم یافته آقاییان ابراهیم و احمد شمس‌الدین که در آن حدود ۳۵۰ مورد، نظر ابو مسلم آمده، آنچه به او نسبت داده شده شش مورد است و بقیه منسوب است به ابو مسلم محمد بن یحیی. و در الفهرست ابن ندیم دو مرتبه نام محمد بن بحر آمده یکی در ذیل اسامی مصنفین تفسیر صفحه ۳۷ و دیگری در صفحه ۱۵۱ (چاپ تجدید) با ذکر مصنفات و منزلت علمی او، و در بعضی از کتب مأخذ، تفسیر او به نام جامع التأویل لمحكم التنزیل به مؤلف دیگری نسبت داده شده، که با عنایت و توفیقات الهی در مقاله‌ای دیگر به‌طور مشروح به بحث و تحقیق در آن می‌پردازیم.

و از ویژگی‌های این دانشمند عالی مقام است که در میان مفسرین و دانشمندان اسلامی یگانه فردی است که نسخ در آیات قرآنی را نپذیرفته و آنچه از آیات قرآنی به گفته دیگران از احکام منسوخه است آن را توجیه و تأویل کرده و بر اثبات این مطلب به آیه شریفه «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» استناد کرده که ذکر آن در کتب تفسیر و اصول فقه مفصل آمده است. و خلاصه سخن آنکه ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی دانشمندی است گرانمایه در تفسیر و ادبیات پارسی و تازی و علم لغت، و نویسنده و شاعری است توانا، نخست در خدمت محمد بن زید داعی طبرستان، چندی سمت دبیری و کتابت به عهده داشته و در سال ۳۰۹ ه. ق. عامل شهر قم بوده است، و با درگذشت ابوعلی محمد بن رستم، عامل فارس و اصفهان در شوال سال ۳۲۱ از طرف خلیفه مقتدر عباسی به جای او منصوب شده و پس از ورود لشکر مرداویج به اصفهان به فرماندهی ابوالحسن علی بن بویه در نیمه ذی القعدة ۳۲۲ از آن سمت معزول گشت و پس از آن دبیری نگذشت که دیده از جهان فرو بست. غفرالله له و لنا.

واژه‌های کلیدی

تابعین، تأویل، تبخر، تعبیر، تقارن، روائی، ضیعة، عامل، عدة، کبار، مجامع، محلة، مرتبت، منصب، تشخ.

مقدمه

از اکابر رجال علمی و سیاسی اصفهان در اواخر نیمه دوم قرن سوم و اوایل قرن چهارم اسلامی، ابومسلم محمدبن بحر معتزلی مفسر بزرگ و عالیقدر است، که قبل از او مفسری در پایه و مرتبت وی در اصفهان شناخته نیست. او به سال ۲۵۴ هجری قمری در محله جروآن اصفهان دیده به جهان گشود و پس از فراگیری علوم عصری، دیری نگذشت که از رجال علمی و صاحب نظران در دانش تفسیر و کلام و ادبیات عرب به شمار آمد.

از استادان و خصوصیات زندگانی او اطلاع دقیق و بسنده‌ای در دست نیست، ابوعلی تنوخی بصری^۲ در کتاب *نشوارالمحاضره* در آنجا که از محمدبن زید داعی^۳ صاحب طبرستان و دیلم، برادر حسن بن زید (م - ۲۷۰ ه.ق) یاد کرده می‌گوید: ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی، نویسنده معروف معتزلی، عالم به تفسیر و دیگر علوم و دانشها که از طرف مقتدر عباسی بعداً عامل اصفهان و فارس گردید، منصب کتابت و سرپرستی امور او را به عهده داشت.

یاقوت حموی در *معجم‌الادباء* پس از نقل گفتار ابوعلی تنوخی به نقل از تاریخ اصفهان حمزه اصفهانی (م - قبل از ۳۶۰ ه.ق) آورده است:

ابن ابی‌البغل^۴ در سال ۳۰۰ ه.ق که در بغداد در خدمت مقتدر عباسی بود به ولایت و سرپرستی دیوان خراج و ضیاع اصفهان منصوب شد و طی نامه‌ای ابومسلم را به نمایندگی خود برگزید و پس از ورود به اصفهان او را همچنان در آن مقام پایدار ساخت و با درگذشت ابوعلی محمد بن رستم عامل اصفهان و فارس در شوال سال ۳۲۱ ه. ابومسلم به جای وی منصوب شد، و پس از ورود لشکر مرداویج به اصفهان به سرکردگی عمادالدوله ابوالحسن علی بن بویه و شکست سپاه مظفر بن یاقوت در نیمه ذی‌القعدة ۳۲۲ ه. معزول گشت.^۵

وی چندی نیز عامل شهر قم بوده، چنانکه در ترجمه تاریخ قم^۶ در فصل اول، باب دوم در ذکر مساحت‌های واقعه به قم، صفحه ۱۰۶ آمده: ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی عامل قم، قم را مساحت کرده است در سنه تسع و ثلاثمأیه (۳۰۹ ه.ق) و پس از این ضیعت‌های عرب از عجم جدا کرد.

شخصیت علمی ابومسلم

او در عصر خود دانشمندی معروف و در مجامع علمی مورد توجه و در بیان آرا و عقاید خود توانا و پایدار و استوار بود. شیوایی و بلاغت گفتار او، گذشته بر دقت نظر و خردگرایی و داشتن ذوقی لطیف با تبخّر و آگاهی به ادبیات عرب و علم لغت، همه موجب شده بود در اندیشه و تفکرات مذهبی و درک مفاهیم عالیّه آیات قرآنی در میان اقران و اعیان عصر خود ممتاز و مورد توجه باشد.

آثار و مؤلفات

۱- تفسیر جامع التّأویل لمحكم التنزیل، در چهارده و یا بیست مجلد بر اساس عقاید و تفکرات معتزله.

۲- الناسخ والمنسوخ

۳- کتابی در علم نحو که در بغیة الوعاة سیوطی ج ۱/ ۵۹ ذکر آن آمده.

۴- کتابی شامل رسائل وی^۷

ابوالحسن علی بن عیسی بن داوود جراح (م - ۳۳۴ هـ.ق) وزیر دانشمند و ایرانی تبار خلیفه مقتدر عباسی والقاهر بالله^۸ با پایگاه بلند خود در دانش و فضایل انسانی، او را می ستود و عنایت و علاقه‌ای ویژه نسبت به او ابراز می داشت.

در الفهرست محمدبن اسحاق ندیم (م - ۳۸۰ هـ.ق) در فن دوم از مقاله سوم، صفحه ۱۵۱ با این عبارت آمده:

ابومسلم محمدبن بحر الاصفهانی^۹ کان کاتباً مترسلاً بلیغاً و متکلماً، و کان ابوالحسن علی بن عیسی یصفه و یشتاقه و له من الکتب: کتاب جامع التّأویل لمحكم التنزیل علی مذهب المعتزله فی تفسیر القرآن کبیر و کتاب جامع رسائله.

مفضل بن سعد مافروخی اصفهانی از دانشمندان بلندپایه قرن پنجم در کتاب محاسن اصفهان گرچه نام او را در شمار دانشمندان اصفهانی که از آنها یاد کرده نیاورده، ولی در آغاز کتاب که از امتیازات و زیباییهای اصفهان سخن می گوید، داستانی را از او نقل می کند و از او به فاضل یگانه و بی مانند تعبیر کرده و آن داستان چنین است:

روزی ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی یکی از رؤسا و دانشمندان بی نظیر اصفهان در دارالخلافة بغداد حاضر بود، در آنجا سخن از بهترین و پر نعمت ترین شهرها به میان آمد و هر کس در این خصوص چیزی می گفت، در آن میان ابومسلم اظهار داشت:

در تمامت روی زمین بهتر و نکوتر از شهر و محل من جایی نیست، حاضران همگی از گفته او به شگفت آمدند، و از او پرسیدند، آن چگونه است؟ گفت آیا در جهان شهری در لطافت و اعتدال هوا، پاکی و گوارایی آب، و وقوع شهر در دشت و پهنه‌ای گسترده همانند اصفهان می‌شناسید، گفتند: نه، آنگاه گفت: محله‌ای که من در آن سکونت دارم به نام «جروآن» از بهترین محلات اصفهان است و در آنجا اکنون خانه و منزلی بهتر و خوشتر و زیباتر از خانه من نیست. پس همگان نظر او را تأیید کردند و تشخیص او را نیکو دانستند.^{۱۰}

و احمد بن یحیی بن مرتضی از ائمه زیدیه (م - ۸۹۰ ه. ق) در طبقات المعترله آورده: از جمله دانشمندان معتزلی مذهب ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی صاحب تفسیر و مرتبت والای علمی است. او و ابوالقاسم بلخی^{۱۱} و ناصرالحق^{۱۲} هر سه از دانشمندان و بزرگان یگانه عصر خود از ندما و یاران خاص محمد بن زید حسنی معروف به داعی صاحب طبرستان (م - ۲۸۷ ه. ق) بودند.^{۱۳}

شیخ طوسی ابوجعفر محمد بن حسن (م - ۴۶۰ ه. ق) قدس سرّه در مقدمه تفسیر تبیان در علت اقدام به تألیف این تفسیر فرموده:

من در متقدمین و متأخرین علمای شیعه کسی را نیافتم که به تألیف تفسیری جامع و کامل مشتمل بر آیات قرآن و بیان معانی آن اقدام کرده باشد، تفاسیر ما معمولاً روایی است و سعی مؤلفین بر این بوده که آنچه در کتب روایات و حدیث در بیان آیات قرآن آمده جمع آوری کنند، از این رو به تبیین و توضیح تمام آیات به آن گونه که نیاز بوده نپرداخته‌اند، و اما دیگر مفسرین اسلامی مانند ابوجعفر محمد بن جریر طبری (م - ۳۱۰ ه. ق) صاحب تفسیر جامع البیان در نقل احادیث و اخبار و قصص و اقوال صحابه و تابعین و بیان معانی مختلف و توجیه و ترجیح آنها، و ورود در فنون مختلف و قرائات و استناد به اشعار عصر جاهلی و غیره و استنباط احکام الهی از آیات مربوط به احکام، بسیار به بسط و تفصیل پرداخته و برخی دیگر به اختصار فقط به بیان و توضیح غرائب و مشکلات آن بسنده کرده و عده‌ای نیز اگر چه میانه رو بین این دو گروه بوده‌اند، ولی در تفسیر آیات، بیشتر از مطالبی یاد کرده‌اند که در محدوده تخصص و تبخّر آنان بوده مانند زجاج^{۱۴} و فراء^{۱۵} و امثال آنها از اساتید لغت و ادبیات عرب که بیشترین مطالب این دانشمندان در تفسیر، بیان نکات و دقایق نحوی و ادبی است، و بعضی دیگر

چون مفضل بن سلمه^{۱۶} بیشتر به مسائل لغوی و زبان‌شناسی و پیوند و اشتقاق کلمات پرداخته، و بعضی مانند ابوعلی جبائی^{۱۷} و احمد بن سهل بلخی^{۱۸} از متکلمین اسلامی فقط به مطالب کلامی پرداخته و آن را با دیگر علوم اسلامی چون ذکر مسائل فقهی و آرای فقها و دیگر معارف، نیز درآمیخته‌اند، ولی بهترین و جامع‌ترین آنها که دارای سبک و روشی مناسب و به دور از اطناب و ایجاز و افراط و تفریط است یکی تفسیر ابو مسلم محمد بن بحر اصفهانی است و دیگری تفسیر علی بن عیسی رمانی^{۱۹} و عبارت شیخ طوسی اعلی الله مقامه در این مورد چنین است: وَ أَصْلَحُ مَنْ سَلَكَ فِي ذَلِكَ مَسْلَكاً جَيِّلاً مُقْتَصِداً مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرِ أَبُو مُسْلِمٍ الْإِصْبَهَانِي وَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الرُّمَانِي، فَإِنَّ كِتَابَيْهِمَا أَصْلَحُ مَا صُنِّفَ فِي هَذَا الْمَعْنَى.

در اینجا شایسته ذکر است نسخه‌ای از این تفسیر ارزشمند (جامع التأویل) در قرن پنجم اسلامی در بغداد در کتابخانه بزرگ شخصی شیخ‌المعتزله ابویوسف قزوینی عبدالسلام بن محمد بن یوسف بن بندار (م - ۴۸۸ هـ.ق) که خود یکی از دانشمندان و مفسرین بزرگ است و از طرف خواجه نظام‌الملک وزیر، ریاست دارالکتب بغداد را بر عهده داشته، موجود بوده است.

سیوطی در طبقات المفسرین درباره او آورده: ابویوسف یکی از معمرین و سالخورده‌گان فضلا و دانشمندان گذشته است که به نگارش و جمع‌آوری تفسیری پرداخته که در میان تفاسیر، بزرگتر و جامع‌تر از آن دیده نمی‌شود، البته اگر با سخنان و آرای معتزلیان درآمیخته نمی‌بود. و آن در سیصد مجلد آمده که هفت جلد آن تفسیر سوره حمد است.^{۲۰}

و در طبقات الشافعية الکبری ابونصر سبکی (م - ۷۷۱ هـ.ق) ج ۵ / ۱۲۱، در شرح حال ابویوسف از او نقل شده که گفته است: در کتابخانه من تعداد شصت تفسیر مختلف موجود است که از آنها است:

- ۱- تفسیر ابو جعفر محمد بن جریر طبری در چهار مجلد
- ۲- تفسیر ابوالقاسم بلخی (معروف به کعبی)
- ۳- تفسیر ابوعلی جبائی (محمد بن عبدالوهاب معتزلی)
- ۴- تفسیر ابوهاشم عبدالسلام جبائی (فرزند ابوعلی)
- ۵- تفسیر ابو مسلم بن بحر (اصفهانی)

منزلت و مقام ابومسلم در علم تفسیر

از قرن چهارم اسلامی تاکنون در قرون مختلف نظریات و آرای او در بیان لغات و ترکیبات و معانی آیات قرآنی همواره مورد توجه مفسرین و علمای اسلامی بوده و در نقل آرا و اقوال وی یا به صراحت با عنوان ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی، ابومسلم بن بحر، محمد بن بحر اصفهانی، و یا با عناوین ابن بحر، ابومسلم اصفهانی، ابومسلم (به طور مطلق) از او یاد شده است.

در تفاسیری که نگارنده نام او را دیده‌ام اعم از تفاسیر شیعی و سنی عبارت‌اند از:

- ۱- تفسیر تبیان از ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (م - ۴۶۰ ه.ق) جمعاً در سی مورد
 - ۲- مفردات راغب اصفهانی، چاپ دارالقلم دمشق، سال ۱۴۱۲ هجری، تصحیح و تحقیق صفوان عدنان داوودی
 - ۳- تفسیر مجمع البیان از ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ یا ۵۵۰۲ ه.ق) در ۳۱۸ مورد.
 - ۴- تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار از رشیدالدین میبدی (م - قرن ششم هجری).
 - ۵- مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، در تفسیر سوره بقره از تاج‌الدین محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م - ۵۴۸ ه.ق).
 - ۶- روض الجنان و روح الجنان به فارسی از ابوالفتوح حسین بن علی رازی (م - نیمه اول قرن ششم ه).
 - ۷- مفاتیح الغیب از ابو عبدالله محمد بن عمر امام فخر رازی (م - ۶۰۶ ه.ق) در ۳۴۸ مورد.
 - ۸- الجامع لأحكام القرآن از ابو عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی (م - ۶۷۱ ه.ق).
 - ۹- تفسیر غرائب القرآن از حسن بن محمد قمی معروف به نظام نیشابوری (م - بعد از ۷۳۰ ه.ق).
 - ۱۰- تفسیر البحر المحیط از ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی غرناطی (م - ۷۵۴ ه.ق) در ۱۵۳ مورد.
 - ۱۱- ارشاد العقل السلیم فی تفسیر الکتاب از ابوالسعود محمد بن مصطفی عمادی (م - ۹۸۲ ه.ق).
 - ۱۲- تفسیر المیزان از مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی قدس سره (م - ۱۴۰۲ ه.ق).
- نکته قابل توجه در تفسیر تبیان ذیل آیه شریفه یا آدم اشکن أنت و زوجک الجنة (بقره / ۳۵) آمده: ابومسلم محمد بن یحیی گفته، این جنت و بوستان که حضرت آدم (ع)

مأمور به سکونت در آن شده در روی زمین بوده^{۲۱} و این تنها موردی است در این تفسیر که در میان اسامی مفسرین یاد شده این نام دیده می‌شود. چنانکه در تفسیر امام فخر رازی ذیل آیه شریفه: *اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ* (بقره / ۱۵) ۲۲. پس از نقل سخن معتزله که گفته‌اند: این آیه نیازمند به تأویل است و نمی‌توان آن را بر آنچه ظاهرش می‌نماید تفسیر کرد. پس از ذکر ادله آنان بر ادعای خود، به چهار تأویل پرداخته و به این اشاره کرده که نخستین آنها از ابوالقاسم کعبی و ابومسلم محمدبن یحیی اصفهانی است. در اینجا نیز یگانه موردی است در این تفسیر که نام ابومسلم محمدبن یحیی با قید اصفهانی آمده است.

نظر نگارنده بر این است که در هر دو مورد از دو تفسیر ذکر شده کلمه «یحیی» در اصل «بحر» بوده که کاتب آن را به خطا قرائت و استنساخ و روایت کرده و باید کلمه یحیی به کلمه «بحر» اصلاح گردد. زیرا:

۱- در کتب طبقات المفسرین که از نام مؤلفین تفسیر یاد شده چنین نامی دیده نمی‌شود نه قبل از زمان شیخ طوسی و نه پس از آن عصر.

۲- در ذیل آیه ۳۵ سوره بقره در تفسیر *روض الجنان ابوالفتح رازی*، این قول نسبت داده شده به ابومسلم بن بحر و عبارت آن چنین است:

اختلاف کرده‌اند که این کدام بهشت است، بعضی مفسرین گفتند، بستانی بود از بستانها و بهشت خلد نبود و این قول ابوالقاسم بلخی و ابومسلم بحر اصفهانی است (۱۰/ ج ۱، ۲۱۸).

در تفسیر امام فخر، قول به اینکه منظور از «جَنَّة» در آیه ۳۵ سوره بقره بوستان واقع در روی زمین است نه بهشت خلد، نسبت داده شده به ابوالقاسم کعبی و ابومسلم اصفهانی و در این تفسیر نیز منظور از ابومسلم اصفهانی و یا ابومسلم به طور مطلق همان ابومسلم محمد بن بحر است و گواه بر این مدعا است آنچه در این تفسیر آمده:

ذیل آیه *وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ، (نحل / ۱۰۱)* با این عبارت: *قَدْ ذَكَرْنَا إِنَّ مَذْهَبَ أَبِي مُسْلِمٍ الْأَصْفَهَانِيِّ أَنْ النِّسْخَ غَيْرَ وَاقِعٍ فِي هَذِهِ الشَّرِيعَةِ (۱۳ / ج ۵، ص ۵۲۰).*

و ذیل آیه شریفه *لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ. (فصلت / ۴۲)* با این عبارت: *واعلم ان لابی مسلم الاصفهانی أن يحتج بهذه الآية على أنه لم يوجد النسخ فيه (۱۳ / ج ۶، ص ۳۷۸).*

و جای انکار نیست که منکر وقوع نسخ در قرآن در میان دانشمندان اسلامی منحصرأبومسلم محمد بن بحر اصفهانی است که بعداً به آن اشاره خواهد شد. و ذیل آیه شریفه وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ رَبِّ اَرِنِي كَيْفَ تُخَيِّبُ الْمَوْتٰى قَالَ اَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلٰى... (بقره / ۲۶۰) (۱۳ / ج ۲، ص ۴۹۴).

در بیان معنی «صُرْهُنَّ» چهار مرتبه ذکر ابومسلم به طور مطلق آمده که منظور از آن نیز بدون شک ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی است زیرا این معنی فقط از او نقل شده است. ۳- دلیل دیگر بر تصحیف نام ابومسلم محمد بن بحر به ابومسلم محمد بن یحیی، ذیل آیه ۱۵ سوره بقره در تفسیر امام فخر، تقارن و همراهی این دو نام ابوالقاسم کعبی و ابومسلم اصفهانی است، که هر دو معاصر و از اصحاب و یاران خاص محمد بن زید داعی صاحب طبرستان و معتزلی مذهب بوده‌اند و در دیگر موارد این تفسیر نیز این تقارن دیده می‌شود مانند: ذیل آیه ۱۴۶ سوره اعراف و آیه هشتم سوره دهر.

و ظاهراً بر اساس این تصحیف و اشتباه است که در فهرست تفسیر مفاتیح الغیب چاپ دارالکتب العلمیه، بیروت به سال ۱۴۱۱ ه. ق، به کوشش ابراهیم شمس‌الدین و احمد شمس‌الدین، ذیل نام «ابومسلم محمد بن بحر» فقط شش مورد آمده و آن مواردی است که نام او در این تفسیر به صراحت یاد شده و بقیه هر چه با نام «ابومسلم» و یا ابومسلم اصفهانی بوده (که اگر اشتباه نکرده باشم یکصد و پنجاه و هشت مورد است) تحت عنوان «ابومسلم بن یحیی اصفهانی» آمده است.

نگارنده را حدس بر این است که این اشتباه از اینجا نشأت گرفته که در نخستین موردی که نام ابومسلم محمد بن بحر در این تفسیر آمده ذیل آیه ۳ سوره بقره است در بیان معنی غیب با عنوان «ابومسلم اصفهانی» و در ده سطر بعد در بیان احتجاج او برگرفته خود آمده: و احتج ابومسلم. بدون ذکر قید اصفهانی، و در ذیل آیه شریفه اللهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ يَمْدُهُمْ فِي طٰغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ، (بقره / ۱۵) تأویل نخستین را در معنی آیه نسبت داده به ابوالقاسم کعبی و ابومسلم بن یحیی اصفهانی (که به تفصیل ذکر آن گذشت) فهرست‌نگاران یاد شده از جمع این سه نام (ابومسلم اصفهانی، ابومسلم، ابومسلم بن یحیی اصفهانی) چنین استنباط کرده‌اند که منظور از این عناوین هر سه، یک شخص است به نام ابومسلم محمد بن یحیی اصفهانی و فقط در شش مورد است^{۲۳} که در سراسر تفسیر به ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی نسبت داده‌اند. در صورتی که چنین نیست (۱۳ / ج ۱، ص ۲۹۲-۲۵۰) و به طور کلی منظور از عناوین ابومسلم و ابومسلم اصفهانی و

ابومسلم محمد بن بحر و یا اصفهانی مطلق همان ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی است و مفسری به نام ابومسلم محمد بن یحیی اصفهانی در میان مفسرین اصفهان دیده نمی‌شود، و به طور قطع کلمه یحیی در ذیل آیه ۱۵ سوره بقره در نام ابومسلم محمد بن یحیی اصفهانی، تصحیف کلمه «بحر» است چنانکه در تفسیر تبیان ذیل آیه ۳۵ سوره بقره این تصحیف آمده است.

و نیز در فهرست تفسیر البحر المحیط ابو حیان اندلسی چاپ انتشارات دارالفکر بیروت، سال ۱۴۲۰ ه. ق، اقوال ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی با دو عنوان «ابن بحر» و «ابومسلم اصفهانی» مشخص شده است. در ۶۹ مورد که در تفسیر از او با نام «ابن بحر» یاد شده در فهرست هم با این عنوان آمده، و در ۸۳ مورد که با عنوان ابومسلم اصفهانی یا ابومسلم و یا اصفهانی^{۲۴} یاد شده در فهرست ذیل عنوان ابومسلم اصفهانی ثبت شده است که ظهور در آن دارد این شخص غیر از «ابن بحر» می‌باشد.

باز می‌گردیم به اصل مطلب، مرحوم علامه مجلسی (م - ۱۱۱۰ ه. ق) اعلی الله مقامه الشریف در تفسیر بعضی از آیات قرآنی در کتاب شریف بحار الانوار به نقل آرای او توجه خاصی دارد. چنانکه در تفسیر آیه شریفه: *أُولَئِكَ يَرَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَائِنًا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا، وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ.* (انبیاء / ۳۰) در مجلد ۱۴/۵۴ به نقل از تفسیر مفاتیح الغیب آورده است:

چهارمین قول در تفسیر این آیه از ابومسلم اصفهانی است که گفته: می‌تواند منظور از «فتق» ایجاد و اظهار باشد، چنانکه تعبیر به فاطر السموات و الارض مفید این معنی است و خداوند متعال از ایجاد و آفرینش آسمانها خبر داده با کلمه فتق به معنای شکافتن و از هم جدا ساختن (گشودن) و از وضع آنها قبل از آفرینش تعبیر فرموده با کلمه «رتق» به معنای به هم پیوسته و چسبیده به یکدیگر. و بعداً در تبیین و توضیح گفتار ابومسلم می‌فرماید: در فضای عدم و نیستی محض، اشیا به طور متمایز و مشخص ظهور و وجود ندارد و تمام فضای آن یگانه و همانند است و پس از پیدایش و ظهور اشیا است که موجودات از یکدیگر متمایز و شناخته می‌شوند، و خداوند با این بیان به طور مجازی از عدم و نیستی به رتق و از پیدایش و هستی به فتق تعبیر فرموده. و در صفحه ۱۰ این مجلد به نقل از تفسیر مجمع البیان در تفسیر *وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ (هود / ۷)* آورده: ابومسلم گفته: منظور از کلمه «عرش» بنا و ساختمان است چنانکه در آیه شریفه: *وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ (نحل / ۶۸)* و معنای

آیه چنین است: سازندگی و ساختمان خداوند در آغاز بر روی آب بود، چه ساختمان بر روی آب شگفت‌انگیز است و کسی را بر آن توانایی نیست.^{۲۵}

و از اقوال منحصر به فرد اوست در تفسیر آیه شریفه: **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ**، (الخ بقره / ۲۶۰)

چنانکه در تفسیر کبیر از او نقل شده: ^{۲۶} تمام مفسرین برآن‌اند که در پی درخواست حضرت ابراهیم علیه‌السلام از خداوند که به او بنماید چگونه مردگان را زنده می‌کند، وی فرمان یافت که چهار پرندۀ از انواع مختلف طیور برگردد و پس از گشتن، اجزای آنان را از گوشت، پوست، استخوان، خون، پر، در هم آمیزد و انگاه در چند جای مختلف، اجزای در هم آمیخته را بر کوه‌های اطراف نهد، و آنها را به سوی خود فراخواند تا ببیند که چگونه ذرات و اجزای آنها در هوا پراکنده و شتابان به یکدیگر می‌پیوندند و صورت نخستین خود را باز می‌یابند. ولی ابومسلم با توجه به اینکه کلمه «صُر» به ضم و کسر حرف اول، فعل امر حاضر است از ریشه «صَارَ يَصُورُ» و یا «صَارَ يَصِيرُ» و دارای معانی مختلف، گفتار دیگر مفسران را نپذیرفته و نظر او چنین است: چون حضرت ابراهیم از پیشگاه خداوند خواست که زنده شدن مردگان را به او بنماید با نمونه‌ای محسوس، تا پذیرش معاد مردگان بر او سهل و آسان باشد، انگاه فرمان یافت تا چهار پرندۀ از انواع مختلف برگردد و با آنها به گونه‌ای رفتار کند که به او راغب و مایل و مأنوس گردند تا بدانجا که هر گاه آنها را بخواند به او روی آورند، پس آنان را زنده در فاصله دوری بر قلۀ کوه‌های بلند مختلف نهد و صدا کند تا ببیند چگونه بر اثر انس و همبستگی شتابان به طرف او می‌آیند. و منظور از انجام این فرمان آوردن نمونه‌ای مشهود از بازگشت ارواح به اجساد است به آسانی.

یکی از فضلا اقوال ابومسلم را که در تفسیر امام فخر نقل شده جمع‌آوری نموده و به نام **ملقط جامع التاویل لمحكم التنزيل** منتشر ساخته است.

در کتاب **معجم المطبوعات العربيه** یوسف الیان سرکیس، ج ۱ / ۴۵۴ آمده: **ملقط جامع التاویل لمحكم التنزيل** کتابی است شامل سخنان و گفته‌هایی از ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی در تفسیری که دست‌باز دیگر روزگار به بازیچه آن را تباه ساخته و شخصی به نام سعید انصاری از تفسیر **مفاتیح الغیب** امام فخر رازی اقوال و آرای او را استخراج و به سال ۱۳۳۰ ه.ق با این نام در کلکته آن را طبع و منتشر ساخته است.

در **التفسیر و المفسرون** مرحوم دکتر محمدحسین ذهبی، در ضمن ذکر مهمترین

تفاسیر معتزله، ج ۱ / ۳۸۷ آورده است: ابومسلم محمدبن بحر اصفهانی در گذشته به سال ۳۲۲ هـ. ق تفسیری نگاشته به نام *جامع التأویل لمحكم التنزیل* در ۱۴ مجلد و یا به گفته بعضی در بیست مجلد و به آن اشاره کرده ابن ندیم در کتاب *فهرست* و سیوطی در *بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین والنحاة* (۳۹ / ج ۱، ص ۵۹). و این همان تفسیری است که امام فخر رازی در تفسیر خود از آن یاد می‌کند و آن را نسبت می‌دهد به ابومسلم، و یکی از مؤلفین اقوال منسوب به او را در کتاب مستقلی به نام تفسیر ابومسلم اصفهانی جمع‌آوری و منتشر ساخته و من از وجود بخشی از آن در کتابخانه دانشگاه قاهره باخبرم.

و در این اواخر نیز یکی از فضلاء حوزه علمیه قم به نام آقای سید محمدرضا غیائی کرمانی موضوع رساله خود را در پایان تحصیلات کارشناسی ارشد تحت عنوان «بررسی آرا و نظرات تفسیری ابومسلم اصفهانی» برگزیده و به جمع و نقل آرا و اقوال این مفسر بزرگ از تفاسیر و منابع ذیل پرداخته است.

۱- تفسیر التبیان شیخ ابو جعفر محمدبن حسن طوسی.

۲- تفسیر مجمع البیان امین الاسلام طبرسی.

۳- *حقایق التأویل فی متشابه التنزیل* از سید رضی. ۲۷

۴- *امالی* مرحوم سید مرتضی، علیه الرحمة.

۵- *روض الجنان و روح الجنان ابو الفتوح رازی*.

۶- *مفاتیح الغیب* امام فخر رازی.

۷- *الجامع لاحکام القرآن* قرطبی.

۸- *البحر المحیط* ابو حیان اندلسی.

۹- تفسیر مرحوم صدر المتألهین شیرازی.

۱۰- تفسیر *المیزان* مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی.

و این مجموعه در یک مجلد قریب چهارصد صفحه به همت مؤسسه فرهنگی انتشارات حضور «قم» به سال ۱۳۷۸ هـ. ش منتشر گردیده است.

ابومسلم اصفهانی و مسأله وقوع نسخ در آیات قرآن

از جمله مباحثی که مفسرین در کتب تفسیر و دانشمندان علم اصول فقه در کتب اصولی به تفصیل در آن به بحث و استدلال پرداخته‌اند مسأله نسخ است.

کلمه «نسخ» به فتح اول و سکون حرف دوم در لغت به معانی زیر به کار می‌رود:

تغییردادن، از بین بردن چیزی و چیزی دیگر در جای آن نهادن، برطرف کردن، کنار گذاشتن، ابطال چیزی، نوشتن کتاب و یا نامه‌ای از روی کتاب و یا نامه‌ای دیگر، در محاورات عربی گفته می‌شود *تَسَحَّتِ الشَّمْسُ الظِّلَّ* یعنی خورشید سایه را برداشت یا آن را از بین برد و یا جایگزین آن شد.

و در اصطلاح دانشمندان اسلامی عبارت است از: گفتار و فرمان الهی که راهنمایی می‌کند بر رفع فرمان و گفتار سابق که اگر نمی‌بود، فرمان پیشین ثابت و پایدار می‌بود و یا چنانکه بعضی گفته‌اند: برداشتن حکم و فرمان الهی است با دیگر فرمانی که اگر آن نمی‌بود، فرمان نخست ثابت و پایدار می‌بود.^{۲۸} در میان دانشمندان اسلامی اختلافی در وقوع نسخ نیست و همگی برآن‌اند بعضی از قوانین و احکام ادیان سابق با آمدن پیامبران بعدی برداشته و منسوخ گشته و دستورات و فرمانهای دیگری جایگزین آنها شده است.

و اما در دین مقدس اسلام نیز بعضی فرمانهای الهی به موجب آیات دیگری که پس از آنها نازل شده، تبدیل و تغییر یافته، مانند نسخ حکم آیه ۲۴۰ سوره بقره در مسأله عده زنانی که همسرانشان در گذشته‌اند، با آیه ۲۳۴ همان سوره و یا نسخ و تغییر قبله مسلمین از بیت المقدس به طرف کعبه با آیه ۱۴۴ سوره بقره، و دیگر آیات قرآنی که مفسرین آن را از آیات ناسخ شمرده‌اند و قائلین به وقوع نسخ در آیات قرآن به این دو آیه شریفه استناد کرده‌اند:

- ۱- *مَانَسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ* منها. (بقره/ ۱۰۶) [هر آنچه از احکام آیات قرآنی را تغییر دهیم و یا آن را از دلها بیرون ببریم بهتر از آن یا مانند آن را به جای آن بیاوریم].
- ۲- *وَ إِذَا بَدَأْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ*. (نحل/ ۱۰۱) [و هر گاه آیه‌ای را برداریم و دیگر آیه‌ای به جای آن بیاوریم که خداوند آگاه‌ترین افراد است به آنچه فرو می‌فرستد و بیان می‌کند ولی مخالفین، تو را می‌گویند به خداوند دروغ می‌بندی (چه اگر گفتار خداوند می‌بودی تغییری در آن روی نمی‌داد) ولی اکثر آنان به آنچه می‌گویند دانا و آگاه نیستند].

دانشمندان و علمای یهود نسخ در احکام الهی را جایز ندانسته‌اند و برآن‌اند که منافعی یا حکمت خداوند و مستلزم جهل و نادانی او است.

امام فخر رازی در مسأله چهارم مبحث نسخ کتاب محصول آورده: نسخ نزد ما دانشمندان اسلامی عقلاً جایز است بر خلاف یهود که عده‌ای از آنان، آن را عقلاً جایز

ندانسته‌اند ولی عده‌ای از آنها که آن را از نظر عقل جایز دانسته معتقدند وقوع آن شنیده نشده و از بعضی مسلمین انکار نسخ روایت شده.^{۲۹} و پس از بحث در مسأله نسخ در میان یهود در مسأله پنجم آورده: امت اسلامی در جواز نسخ آیات قرآنی همگان اتفاق دارند ولی ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی آن را جایز نمی‌داند. و پس از بیان این مطلب استناد کرده بر جواز آن به شش آیه از آیات قرآن، با ذکر توجیهاات ابومسلم و پاسخ استدلالات او.^{۳۰}

قابل ذکر است مطالب معنون در این کتاب عیناً در تفسیر مفاتیح‌الغیب ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره آمده با تفصیل بیشتر در بعضی موارد.

علامه حسن بن یوسف حلّی (م ۷۲۶ ه.ق) در مبادی‌الوصول الی علم الاصول در مبحث دوم از صفحه ۱۳ فصل هفتم، در جواز نسخ فرموده: أَكثَرُ الْمُسْلِمِينَ عَلَى ذَلِكَ وَ خَالَفَ أَبُو مُسْلِمٍ الْإِصْفَهَانِيَّ وَ جَمَاعَةً مِنَ الْيَهُودِ (بیشتر مسلمانان نسخ را جایز دانسته‌اند مگر ابومسلم اصفهانی و گروهی از یهود). و بعد به ذکر ادله جواز آن پرداخته است.

و در تهذیب الوصول الی علم الاصول در مبحث سوم از مقصد ششم آورده: أَلْبَحْثُ الثَّلَاثُ فِي الْقُرْآنِ مَا هُوَ مُشْرُوحٌ خِلَافاً لِأَبِي مُسْلِمٍ إِبْنِ بَحْرٍ الْإِصْفَهَانِيَّ كَأَيَّةِ الْعِدَّةِ وَ تَقْدِيمِ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُنَاجَاةِ وَ ثَبَاتِ الْوَاحِدِ لِلْعَشْرَةِ وَ اخْتِجَاجِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ (فصلت / ۴۲).

[بحث سوم راجع به وقوع نسخ در بعضی آیات قرآن است مانند آیات مربوط به عده زنان (بقره / ۲۴۰-۲۳۴) و لزوم پرداختن صدقه قبل از سخن گفتن با پیامبر صلی الله علیه و آله به طور سر در تنگ گوش نهادن یا «سر در گوشی» (مجادله / ۱۲) و وجوب جهاد و مقابله یک نفر از مسلمانان با تعداد ده نفر از مشرکین و یا کفار (انفال / ۶۵-۶۶) و مسأله تغییر قبله (بقره / ۱۴۴) بر خلاف ابومسلم بن بحر اصفهانی که قایل به وقوع آن نیست و بر گفته خود استناد کرده بر آیه لا یأتیه الباطل.] و در کتاب منیة اللیب عمیدی به تفصیل به شرح آن پرداخته.

و شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (م - ۱۰۳۰ ه.ق) نیز در کتاب زبده‌الاصول مطلب هفتم از منهج سوم در بحث نسخ به آن اشاره فرموده و عبارت او چنین است: المطلب السابع فی النسخ هو رفع الحكم الشرعی بدلیل شرعی متأخر و قوله اجماعی و نفاه الاصفهانی سیما فی القرآن و آیه القبله و العده و الصدقة و الثبات تکذبه و قوله تعالی

لایاتیه الباطل لایصدقہ (مطلب هفتم در مسأله نسخ است و آن برداشتن و رفع دستور و فرمان الهی است با فرمان خداوندی که پس از فرمان اول صادر می‌گردد و قول به آن مورد اجماع و اتفاق دانشمندان اسلامی است و عالم اصفهان [ابومسلم محمد بن بحر] آن را نپذیرفته بالاخص در آیات قرآنی. ولی آیات مربوط به تغییر قبله و عدّه زنان و پرداخت صدقه قبل از صحبت کردن با پیامبر اکرم به نجوی، و پایداری مسلمین در برابر کفار اگر چه تعداد آنها ده برابر باشد، همه گفتار او را تکذیب می‌کند و آیه شریفه لایاتیه الباطل نیز مؤید او نیست.)

و در غایة المأمول عالم جلیل فاضل، جواد بن سعد بن جواد کاظمی (م- ۱۰۶۵ ه. ق) که از اکابر شاگردان مرحوم شیخ بهائی است، مبسوط به شرح آن پرداخته و از اصفهانی با عنوان «ابومسلم اصفهانی» و «ابومسلم» و «ابومسلم بحر اصفهانی» یاد کرده است. و ابوبکر احمد بن علی رازی معروف به جصاص صاحب کتاب احکام القرآن (م- ۳۷۰ ه. ق) که از معاصرین ابومسلم بوده در ج ۱ / ۵۹، در باب نسخ ذیل آیه «ما نُنسخ من آیهٍ أو نُنسها» به اشارت از او یاد کرده و عبارت او چنین است: زَعَمَ بَعْضُ الْمُتَأَخِّرِينَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِ الْفِقْهِ، أَنَّهُ لَا تُنسخُ فِي شَرِيْعَةِ نَبِيِّنا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ أَنَّ جَمِيْعَ ما ذَكَرَ فِيها مِنَ النُّسخِ فَإِنما المرادُ بِهِ نُسْخُ شَرائِعِ الْأَنْبِياءِ الْمُتَقَدِّمِينَ كَالسَّبْتِ وَ الصَّلَاةِ إِلَى الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، قَالَ لِأَنَّ نَبِيْنا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ آخِرُ الْأَنْبِياءِ وَ شَرِيْعَتُهُ ثابِتَةٌ باقِيَةٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ، وَ قَدْ كانَ هَذَا الرَّجُلُ ذا حَظٍّ مِنَ الْبِلاغَةِ وَ كَثِيْرٍ مِنَ عِلْمِ اللُّغَةِ غَيْرِ مَحْظُوطٍ مِنَ عِلْمِ الْفِقْهِ وَ أَصُولِهِ، وَ كانَ سَلِيْمَ الْإِعْتِقادِ غَيْرِ مَطْنُونٍ بِهِ غَيْرِ ظاهِرِ أَمْرِهِ، وَ لَكِنَّهُ بَعْدَ مِنَ التَّوْفِيْقِ بِإِظْهارِ هَذِهِ الْمَقالَةِ، إِذْ لَمْ يَنْسِبْهُ إِلَيْها غَيْرُهُ (يكی از متأخرین دانشمندان غیر متخصص در دانش فقه چنین پنداشته که در آیین پیامبر ما مسلمانان نسخ و تغییری در احکام نیست چه پیامبر ما آخرین فرستادگان و انبیای الهی است و شریعت و آیین او برای همیشه ثابت و پایدار است و اگر در قرآن سخن از نسخ به میان آمده چون صید در روز شنبه و نماز به طرف شرق یا غرب، مربوط به پیامبران و آیین گذشته است نه در اسلام، این شخص [منظور ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی است] در بلاغت و فنون علم لغت در پایگاه والایی بود نه در دانش فقه و اصول فقه، و فردی بود سلیم الاعتقاد و درست‌باور و نمی‌نمود دارای چنین عقیده‌ای باشد ولی گویا در این گفتار که هیچ یک از علمای اسلامی به آن قایل نشده‌اند از توفیقات و عنایات الهی به دور مانده.)

منزلت و پایگاه ابومسلم در سخن منظوم

در کتاب الفهرست اگر چه به مقام شاعری او اشارتی نشده ولی او چون بسیاری از شعرای ذواللسانین اصفهان است که به زبان پارسی و تازی هر دو شعر می‌سروده و در شیوایی و رسایی گفتار در مرتبت و پایگاهی بلند است. متأسفانه از اشعار دلنشین و مطبوع او چیزی در دست نیست جز هفت بیت از اشعار عربی و سه بیت از ترجمه اشعار پارسی او به زبان عربی که یاقوت حموی در ارشادالاریب از قول حمزه اصفهانی در تاریخ اصفهان آن را در شرح حال او نقل کرده و این چند بیت خود حاکی از ذوق و مهارت او در سخن منظوم است.

ابومنصور ثعالبی (م - ۴۲۶ ه. ق) در کتاب یتیمه‌الدهر در آغاز باب پنجم (۶۳ / ج ۳، ص ۳۴۹) از اصفهان به مرکز فضل و مجمع ارباب ادب یاد کرده و این شهر را با داشتن ادیبان فاضل و فحول و متبحران در نویسندگی و شعر، از دیگر بلاد ممتاز دانسته و در اینجا از سی و پنج تن شاعر بزرگ و توانای اصفهان و کرج ابودلف که حمزه اصفهانی (م - ۳۶۰ ه. ق) از آنها و اشعارشان در کتاب خود تاریخ اصفهان یاد کرده، نام می‌برد که یکی از آنها ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی است و آنها عبارت‌اند از:

- | | |
|---|--|
| ۱- منصور بن باذان | ۲ و ۳- ابودلف عجلی و برادرش معقل بن عیسی |
| ۴- بکر بن عبدالعزیز | ۵- احمد بن علوی |
| ۶- نصر بن مالک | ۷- علی بن مهلب |
| ۸- ابونجد | ۹- احمد بن ابی القاسم دیمرتی |
| ۱۰- ابو عبدالله تاج‌الکاتب | ۱۱- سهلان بن کوفی |
| ۱۲- صالح بن ابی صالح | ۱۳- احمد بن واضح |
| ۱۴- محمد بن عبدالله بن کثیر | ۱۵- عبدالرحمن بن مندویه |
| ۱۶- ابوبکر بن بشرویه | ۱۷- ابن زرویه |
| ۱۸- ابوهدهد | ۱۹- ابوقتیبه |
| ۲۰- محمد بن غالب | ۲۱- حسن بن اسحاق بن محارب |
| ۲۲- ابوبکر زبیری | ۲۳- ابوعلی بن رستم |
| ۲۴- ابومسلم بن بحر | ۲۵- ابوالحسین بن طباطبا |
| ۲۶- ابن کره (ظاهراً باید «ابن لره» باشد). | ۲۷- نوشجان بن عبدالمسیح |
| ۲۸- علی بن حمزه بن عماره | ۲۹- ابراهیم بن سیاره کادوسی |

۳۰- ابوجعفر بن ابی الأسود

۳۱- ابوسعید بن نوفه

۳۲- ابوالعباس بن احمد بن معمر

۳۳- ابوعمرو همام

۳۴- ابوسواده

۳۵- ابوالقاسم بن ابی سعد. و جز اینها

و پس از ذکر این اسامی، از شش تن شعرای اصفهانی معاصر خود و نمونه‌ای از اشعار آنان یاد می‌کند از این قرار: ۱- عبدان اصفهانی معروف به خوزی ۲- ابوسعید رستمی ۳- ابوالقاسم بن ابی العلاء ۴- ابو محمد خازن ۵- ابوالعلاء اسدی ۶- ابوالحسن غوبری از اشعار عربی او است در روزهایی که ماکان پسر کاکسی^{۳۱} و لشکریانش با جامه‌های سفید وارد شهر قم شده بودند و او به خانه برادرش احمد بن بحر^{۳۲} وارد شد، در آنجا دفتری دید که اشعاری از نصر بن سیار (م - ۱۳۱ ه. ق)^{۳۳} در آن ثبت شده بود از این قرار:

أَرَى خَلَلَ الرَّمَادِ وَ مِيضَ جَمْرِ وَ يُوْشِكُ أَنْ يَكُونَ لَهُ ضِرَامُ
وَ إِنَّ النَّارَ بِالرَّزَنْدِينَ تُورِي وَ إِنَّ الْحَرْبَ يَقْدُمُهُ كَلَامُ
أَقُولُ مِنَ التَّعَجُّبِ كَيْتَ شِعْرِي أَلْيَقَاظُ أُمِّيَّةٌ^{۳۴} أَمْ نِيَامُ؟

(در لابه‌لای خاکستر روشنی آتشی را می‌بینم / که نزدیک است شعله‌ور و فروزان گردد / آری آتش با چوبهای آتش‌زنه برافروخته می‌شود / ولی آتش جنگ را گفتار و سخن بر می‌افروزد / من از شگفتی و تعجب با خود می‌گفتم / آیا فرزندان امیه بیدارند و هوشیار یا در خواب).

ابومسلم ارتجالاً و بی‌درنگ در ذیل آن نوشت:

أَرَى نَاراً تُشَبُّ بِكُلِّ وَادٍ لَهَا فِي كُلِّ مَنْزِلَةٍ شُعَاعُ
وَ قَدْ رَقَدَتْ بَنُو الْعَبَّاسِ عَنْهَا وَ أَضَحَّتْ وَ هِيَ آمِنَةٌ رَتَاعُ
كَمَا رَقَدَتْ أُمِّيَّةٌ ثَمَّ هَبَّتْ لِتَدْفَعَ حِينَ لَيْسَ بِهَا دِفَاعُ

(در همه جا از فراز و نشیب برافروخته آتشی می‌بینم / که پرتو و فروغ آن همه منازل را فرا گرفته است / و بنی‌العباس از این آتش فروزان در خواب و بی‌خبرند / و تا به چاشت‌گاهان همچنان در ناز و نعمت آرمیده / چنانکه دودمان امیه در خواب بودند / و آنگاه که پس از بیداری برای دفاع و مبارزه برخاستند دیگر کار از کار گذشته بود).

و از اشعار بازمانده اوست دو بیت در مورد ابوالمعمّر: ۳۵

هَلْ أَنْتَ مُبْلِغٌ هَذَا الْقَائِدِ الْبَطَلِ عَنِّي مَسْأَلَةٌ طَبَّ غَمِيرِ ذِي حَطَلِ
إِنْ كُنْتُ أَخْطَأْتُ قِرْطَاساً عَمَدْتُ لَهُ^{۳۶} فَأَنْتَ فِي رَمِي قَلْبِي مِنْ بَنِي نَعْلِ

(آیا تو [ای دوست ارجمند] گفتار بحق و دوستانه مرا به این سردار شجاع دلیر می‌رسانی؟ / که اگر از من در هدف و نشانه‌گیری بر آنچه آهنگ آن داشته‌ام خطا و اشتباهی سر زده ولی تو در تیراندازی و نشانه‌گیری قلب من همانند فرزندان ثعل^{۳۷} ماهرانه رفتار می‌کنی).

و از اشعار فارسی او است خطاب به ابواشعث قمی^{۳۸} که ترجمه عربی آنها در دست است.

يا لَشَّابِ وَ غُضْبِ النَّضْرِ وَ الْعَيْشِ فِي أَيَّامِ الرَّهْرِ
لَوْ دَامَ لِي عَهْدُ الْمَتَاعِ بِهِ وَ أَمِنْتُ فِيهِ حَوَادِثَ الدَّهْرِ
لَكِنَّهُ لِي مُعَقَّبٌ هَرَمًا وَ هُوَ النَّذِيرُ بِأَخْرِ الْعُمْرِ

(شگفتا بر جوانی و نهال زیبا و شادابش / و زندگی در روزهای پر فروغش / ای کاش دوران کامیابی و بهره‌مندی آن ادامه می‌یافت / و از حوادث و پدیده‌های شوم روزگار آن بیم و هراسی نمی‌بود / ولی افسوس که به دنبال آن، سالخوردگی و ناتوانی است / و هم آن است پیام و بیم‌دهنده به پایان زندگانی).

درگذشت

ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی در سال ۳۲۲ ه. ق دیده از جهان فرو بست و یکی از کبار ادبا و دانشمندان مشهور اصفهان در نیمه اول قرن چهارم هجری به نام ابوالحسن علی بن حمزه بن عماره صاحب کتاب *قلائد الشرف* در ذکر اخبار و مفاخر آن در سوگ و رثای او اشعار ذیل را سروده:

وَ قَالُوا أَلَا تَرَى ابْنَ بَحْرِ مُحَمَّدًا فَقُلْتُ لَهُمْ: رُدُّوا فُؤَادِي وَ اسْمَعُوا
فَلَنْ يَسْتَطِيعَ الْقَوْلَ مَنْ طَارَ قَلْبُهُ جَرِيحًا قَرِيحًا^{۳۹} بِالمَصَائِبِ يُقْرِعُ
وَ مَنْ بَانَ عَنهُ الْفُؤُةُ وَ خَلِيلُهُ فَلَيْسَ لَهُ إِلَّا إِلَى التَّبَعِ مَرْجِعُ
وَ مَنْ كَانَ أَوْفَى الْأَوْفِيَاءِ لِمُخْلِصٍ وَ مَنْ جِزِيَ فِي سِرْبَالِهِ الْفَضْلُ أَجْمَعُ
سَجَايَا كَمَاءِ الثَّرْنِ شَيْبَ بِهِ الْجَنَى جَنَى الشَّهِدِ فِي صَفْوِ المُدَامِ يُشْعِشِعُ
وَ غَرِبَ ذَكَاءُ وَاقِدٍ مِثْلُ جَمْرَةٍ وَ طَبِعَ بِهِ العَضْبُ المَهْتَدُ يَطْبِعُ
وَ مَنْ كَانَ مِنْ بَيْتِ الْكِتَابِ فِي الذُّرَى وَ ذَا مَنْطِقِي فِي الحَفْلِ لَا يَسْتَمَعُ^{۴۰}

(مرا گفتند: آیا در سوگ محمد بن بحر چیزی نمی‌سرایی / گفتیم: آری شما من بی خود از خود را به خود باز آرید / و آنگاه به مرثیه‌سرایی من گوش دهید. چگونه انتظار می‌رود از

خود بی خود گشته‌ای / با دلی مجروح و دردمند و مصیبت‌زده سخن بگوید / کسی که دوست مهربان دیرین خود را از دست داده / و تا روز قیامت دیگر دیدارش برای او میسر نیست / دوستی که در میان دوستان باوفاترین باوفایان / و جایگاه تمام فضایل و کمالات بود / او را سجایا و طبیعتی بود چون آب باران در آمیخته به شهد / و در پاکی و تابندگی همانند شراب ناب / و در شدت فطانت و هوشیاری چون آتشی فروزان / با طبعی روان، که گویی شمشیر برنده هندی از آن نشأت یافته است / همو که در میان نویسندگان بلند مرتبت در بلندترین پایگاه / و در سخنوری و زبان‌آوری در مجالس بزرگ، زبان آور و توانا بود). و الحمد لله رب العالمین

پی نوشت

۱- قطرب: به ضم اول و ثالث و سکون دوم، نامش محمد بن مستنیر اهل بصره و معتزلی مذهب است از شاگردان سیبویه نحوی و مؤدب فرزندان ابودلف عجلی است و عالم به ادبیات عرب و لغت و نحو متوفای سال ۲۰۶ ه. ق. از مؤلفات او است: معانی القرآن، النوادر فی اللغة، الأزمنة، غریب الحدیث، خلق الانسان، ما خالف فیہ الانسان البهیمة الوحوش و صفاتها و غیره.

۲- ابوعلی تنوخی محسن بن علی (۳۲۹-۳۸۴ ه. ق) قاضی، ادیب، شاعر، مؤلف کتاب جامع التواریخ معروف به نشوارالمحاضرة و کتاب الفرج بعدالشدة است که هر دو به طبع رسیده است.

۳- محمد بن زید بن اسماعیل بن حسن علوی حسینی معروف به داعی (م - ۲۸۷ ه. ق) رک، به کامل ابن اثیر، حوادث سال ۲۷۰ و ۲۸۷ ه. ق و البدایه و النهایه، حوادث ۲۸۷ ج ۱۱ / ۹۵.

۴- ابوالحسین محمد بن محمد بن یحیی بن ابی البغل اصفهانی در زمان مقتدر عباسی برای وزارت به بغداد فراخوانده شد. او در سخنوری و نگارش توانا و شاعری دارای اشعاری مطبوع و دلنشین بود. فهرست ابن ندیم، صفحه ۱۵۲، ذکر اخبار اصفهان، ج ۱ / ۱۸.

در ذکر اخبار اصفهان نام وی «احمد» آمده. و در الوافی بالوفیات، ج ۲ / ۴۸: ابن ابی البغل ابوالحسین محمد بن احمد بن یحیی نویسنده‌ای بزرگ و دارای آثاری است از نظم و نثر و از او روایت می‌کند ابوعلی حسین بن قاسم کویکی و مدتی در مقام ولایت جبل و اصفهان بود و به سال ۳۱۳ ه. ق درگذشت.

۵- پایان آنچه از معجم‌الادباء به نقل از حمزه اصفهانی آمده است.

- ۶- اصل این کتاب از حسن بن محمد بن حسن قمی یکی از دانشمندان و علمای قرن چهارم هجری است که آن را به سال ۳۷۸ ه. ق به تشویق صاحب بن عباد در عصر فخرالدوله دیلمی به عربی نگاشته و پس از آن در سالهای ۸۰۶-۸۰۵ ه. ق توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۱۳ این ترجمه با مقدمه و تصحیح مرحوم سید جلال‌الدین تهرانی (م - مرداد ماه ۱۳۶۶ ش) در تهران به طبع رسیده است.
- ۷- در فهرست ابن‌ندیم ذیل ذکر نام او در صفحه ۱۵۱ از مؤلفات یاد شده فقط نام تفسیر بدون ذکر مجلدات و کتاب شامل رسائل آمده ولی در معجم‌الادباء دو کتاب دیگر را به نقل از حمزه اصفهانی از مؤلفات او یاد کرده و نام تفسیر او هم شرح‌التأویل آمده است.
- ۸- در *شذرات الذهب* در شرح حال علی بن عیسی آمده: او دانشمندی بزرگوار، متدین، نیکخواه و محدثی جلیل‌القدر و در روایت مورد اعتماد بود. در نود سالگی درگذشت و در میان وزرا مانند عمر بن عبدالعزیز بود در بین خلفاء، و از مؤلفات او است: *معانی القرآن*، *جامع الدعاء*، *سیاسة المملكة*، *سيرة الخلفاء* و *دیوان رسائل*.
- ۹- در *لسان‌المیزان* چاپ اول و طبقات‌المفسرین *داوودی*، کنیة او ابوسلمه آمده که به طور قطع نادرست است.
- ۱۰- عبارت *ما فروخی در محاسن اصفهان*، صفحه ۹ چنین است: و انّ ابامسلم محمد بن بحر الاصفهانی أحد رؤسائهما، لایل أوحد فضلائها [مرجع ضمیر اصفهان است] حضر مجلس الخلافة بمدينة السلام وقتاً، و تذاکر الحضر اثناء الکلام، اطیب بقاع الدنيا، و تجاذبوا القول فیه، فقال ابومسلم: لیس فی الدنيا اجمع اطیب من داری، فتعاضمهم دعواه، و راعهم فتواه، و قالوا له: لیم؟ قال: هل تعرفون فی الدنيا اطیب من اصفهان هواء سجسج رطب، و ماء سلسل عذب، و فضاء واسع رحب، فقالوا: لا. قال لیس فی محالها اطیب من محلتي «جروآن» و لیس بها اطیب من داری، فأجازوا نقده.
- ۱۱- ابوالقاسم عبدالله بن احمد بن محمود بلخی معروف به کعبی (م - ۳۱۹ ه. ق) از مشاهیر و بزرگان معتزله است و رئیس طایفه کعبیه، و از اوست *التفسیر الکبیر* و *ادب الجدل* و *مفاخر خراسان* و *الطعن علی المحدثین* و کتاب *کیفیه الاستدلال بالشاهد علی الغائب* و دیگر مؤلفات در مباحث کلامی.
- ۱۲- ناصرالحق حسن بن علی بن حسن بن عمر بن زین‌العابدین ابومحمد اطروش و ناصر کبیر (م - ۳۰۴ ه. ق) وی پس از محمد بن زید علوی به سال ۲۸۷ به امامت و رهبری «زیدیه» پرداخت. از مؤلفات اوست ۲ مجلد در تفسیر قرآن و به دست او بیش از دوست هزار نفر از دیالمه و دیگر مردم به دین اسلام درآمدند. *الاعلام زرکلی*.

- ۱۳- و عبارت طبقات المعتزله، صفحه ۹۱ چنین است: ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی صاحب التفسیر و العلم الكثير و جمعت حضرة الداعی محمد بن زید بینة و بین ابی القاسم البلخی و الناصر للحق علیه السلام، و کلّ واحد فرید عصره و وحید دهره.
- ۱۴- ابواسحاق ابراهیم بن سرّی معروف به زجاج (م - ۳۱۱ هـ.ق) صاحب تفسیر معانی القرآن کتاب امالی، الاشتقاق، مختصر النحو، وی از بزرگان دانش نحو به شمار می‌رود.
- ۱۵- ابوزکریا یحیی بن زیاد کوفی معروف به قزّاء (م - ۲۰۷ هـ.ق) از اکابر دانشمندان لغت و ادبیات عرب است که درباره او گفته‌اند: لولا الفراء ما كانت اللغة. دارای تفسیری است به نام معانی القرآن و بعضی گفته‌اند آن اولین تفسیری است جامع، مشتمل بر تمام آیات قرآن، به ترتیب و نظم قرآن، جلد اول آن که تا پایان سوره یونس است، در سال ۱۹۶۵ میلادی در مصر به طبع رسیده است.
- ۱۶- ابوطالب نحوی مفضل بن سلمه کوفی، از دانشمندان لغت و نحو (م - ۲۹۰ هـ.ق) دارای تفسیر ضیاء القلوب و کتب البارع و الاشتقاق و المدخل الی علم النحو و دیگر مؤلفات.
- ۱۷- محمد بن عبدالوهاب بن سلام بصری معروف به ابوعلی جبّائی معتزلی (م - ۳۰۳ هـ.ق)، از بزرگان معتزله و متبحر در دانش کلام و فلسفه، از مؤلفات او است تفسیری بر قرآن و کتاب متشابهات القرآن و غیره. و از جمله شاگردان او است فرزندش ابوهاشم عبدالسلام (م - ۳۲۱ هـ.ق) که او نیز از بزرگان و اعلام فلسفه و کلام اسلامی است و ابوالحسن اشعری (م - ۳۲۴ هـ.ق) و کلمه جبّائی به ضم اول و یای مشدّد منسوب به جبّایه از روستاهای شهر بصره بوده است.
- ۱۸- ابوزید احمد بن سهل بلخی (م - ۳۲۲ هـ.ق) از بزرگان علم فلسفه و کلام و سایر علوم اسلامی است و از شاگردان یعقوب بن اسحاق کندی (م - حدود ۲۶۰ هـ.ق) فیلسوف اسلامی است. از آثار اوست کتابی در اسماء خداوند و صفاتش، غریب القرآن، نظم القرآن، الحروف المقطّعة فی اوائل السور، تفسیر الفاتحه، البحث عن التأویلات، قوارع القرآن، اخلاق الامم و المختصر فی اللغة.
- ۱۹- ابوالحسن علی بن عیسی بن رمانی معتزلی شیعی (م - ۳۸۴ هـ.ق) از مفاخر دانشمندان اسلامی است در دانش نحو، منطق، کلام، تفسیر و فقه. ابوحیان توحیدی (م - حدود ۴۰۰ هـ.ق) درباره او گفته: لم یرمله عالماً بالنحو و غزارة بالكلام و بصراً بالمقالات و استخراجاً للعویص و ایضاً للمشکل مع تأله و دین و فصاحه و عفاف.
- ۲۰- در طبقات الشافعیة ابونصر سبکی و البدایه و النهایه حافظ ابوالفداء (م - ۷۷۴ هـ.ق) از تفسیر او در هفتصد مجلد یاد شده و در النجوم الزاهرة، ج ۵ / ۱۵۶ آمده، قرآن را در هفتصد مجلد

تفسیر کرده و بعضی گفته‌اند در چهارصد مجلد و بعضی آن را سیصد مجلد ذکر کرده و آن بر مزار امام ابوحنیفه (م - ۱۵۰ ه. ق) وقف شده است.

۲۱- تفسیرالتبیان، ج ۱/۱۵۹ و عبارت آن چنین است: و قال ابو مسلم محمد بن یحیی هی (أی الجنة): هی فی الارض لأنه امتنحهما فیها بالنهی عن الشجرة التي نها هما عنها دون غیرها من الثمار.

۲۲- تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱/۲۹۲، اذا ثبت هذا فنقول: التأویل من وجوه احدها و هو تأویل الکعبی و ابی مسلم بن یحیی الاصفهانی، الخ.

۲۳- مواردی که در فهرست تفسیر امام فخر در چاپ دارالکتب العلمیه بیروت به «ابو مسلم بن یحیی» نسبت داده شده از این قرار است: ج ۴/۱۲۸ - ج ۷/۱۳ - ج ۲۳/۲۰۷ - ج ۲۴/۳ - ج ۳۰/- - ج ۲۵/۳۱

۲۴- مانند ذیل تفسیر آیات ۱ و ۲ سورة کهف، ج ۲/۱۳۶.

۲۵- پایان آنچه از کتاب بحارالانوار نقل شده و مشابه آن در این کتاب بسیار است.

۲۶- تفسیر کبیر، ج ۲/۴۹۴ عین عبارت چنین است: أجمَعَ أهل التفسیر علی أنّ المراد بالآیه قَطْعُهُنَّ و إنّ ابراهیم قَطَعَ أعضاءها و لَحْمُها و ریشها و دِمَاءها و خَلَطَ بَعْضُها بَعْضَ غیرِ أبی مُسْلِم، فَإِنَّهُ أَنْكَرَ ذَلِكَ و قَالَ إِنَّ ابراهیم علیه السلام لَمَّا طَلَبَ إحياء المَيِّتِ مِنَ الله تَعَالی، ارأه الله تَعَالی مثلاً قَرُبَ به الامر علیه، و المراد بِضُرُوءِ إلیک الإِمَالَةُ و التَّمَرینُ علی الإِجابَةِ، أی فَعَوْدُ الطُّیُورِ الاربعة أن تصیرَ بِحِیثُ إذا دَعَوْتَهَا أَجابَتکَ و أَنتَکَ، فَإِذَا صارتَ کَذَلِکَ فَاجعَلْ علی کُلِّ جَبَلٍ واحداً حالَ حَیَاتِهِ، ثُمَّ ادعُهُنَّ یا تینَکَ سَعِیاً و العَرَضُ مِنه ذکرُ مِثَالِ مَحسوسِین فی عَوْدِ الارواحِ إلی الاجساد علی سَبیلِ السُّهُولَةِ، و أَنْكَرَ القَوْلَ بِأنَّ المراد مِنه قَطْعُهُنَّ و پس از این عبارت ذکر ادله و ی بر این گفتار آمده است.

۲۷- مؤلف از آن یاد کرده به نام حقایق التأویل لمحكم التنزیل.

۲۸- این تعریف از میرزای قمی صاحب قوانین الاصول (م - ۱۲۳۱ ه. ق) است. و تعاریف دیگری نیز برای نسخ کرده‌اند مثل: «هُوَ رَفَعُ الشَّارِعِ الحُکْمَ الشَّرعیّ». یا هُوَ رَفَعُ الشَّارِعِ الحُکْمَ الشَّرعیّ بِدلیل شرعی متأخر» این تعریف از ابن حاجب عثمان بن عمر (م - ۶۴۶ ه. ق) آمده است. و یا «هُوَ النُّصُّ الدَّالُّ علی انتهای آمَدِ الحُکْمِ» این تعریف از ابواسحاق رکن الدین ابراهیم بن محمد اسفراینی (م - ۴۱۸ ه. ق) است.

۲۹- و عبارت او چنین است: المسأله الرابعه النسخ عندنا جائز عقلاً، و واقع سمعاً، خلافاً لليهود، فإنّ منهم من انکره عقلاً، و منهم من جوزّه عقلاً، لکنّه منع منه سمعاً، و یروی عن بعض المسلمین انکار النسخ (محصول / ج ۱، ص ۵۳۲).

۳۰- پس از بیان شش آیه برای اثبات وقوع نسخ در قرآن و توجیه ابومسلم بر این آیات و رد آن، احتجاج ابومسلم را به آیه لایاتیه الباطل، الخ (سوره فصلت آیه ۴۲)، ذکر فرموده و به آن پاسخ داده و این مطلب را امام فخر عینا ذیل آیه ۱۰۶ سوره بقره نیز آورده، ولی در تفسیر این آیه (سوره فصلت) در تفسیر مفاتیح الغیب آمده: و اعلم ان لابی مسلم الاصفهانی ان یحتج بهذه الایة علی أنه لم یوجد النسخ فیہ لأن النسخ ابطال فلو دخل النسخ فیہ لکان قد اتاه الباطل من خلفه و انه علی خلاف هذه الایة.

(بدان که شایسته می بود ابومسلم اصفهانی استدلال کند به این آیه بر اینکه در آیات قرآن نسخ جایز نیست، زیرا نسخ ازاله و ابطال حکم سابق است و اگر در قرآن تحقق پیدا کند، در پی آن آمده چیزی که آن را ابطال و تباہ ساخته) به نظر چنین می رسد باید این بخش تفسیر واقع در آن قسمت باشد که مؤلف توفیق تألیف آن را نیافته چنانکه ابن خلکان در ترجمه او به آن اشاره کرده است. و در کشف الظنون آمده: شیخ نجم الدین احمد بن محمد قمولی (فقیه شافعی مصری) متوفای ۷۲۷ ه. ق به تصنیف آن ادامه داده و دیگری به نام قاضی القضاة شهاب الدین محمد بن احمد بن خلیل خویری دمشقی (م - ۶۹۳ ه. ق) که بازمانده آن را به پایان رسانده است.

۳۱- ماکان یکی از سرداران دیالمه بود که سالیانی بر ری و گرگان سلطه داشت و در سال ۳۲۹ ه. ق در عهد سلطنت نصر بن احمد سامانی به دست سپاهیان او کشته شد و پوشیدن لباسهای سپید آنان نشانه مخالفت آنان با حکومت عباسی بود.

۳۲- احمد بن بحر همو است که فرزندش ابوالحسین زید در سال ۳۵۰ ه. ق عامل شهر قم بوده. ر. ک. به ترجمه تاریخ قم، صفحات ۲۱۴ - ۲۱۷ - ۲۱۸.

۳۳- نصر بن سیار بن رافع (۴۶ - ۱۳۱ ه. ق) هم اوست که به سال ۱۲۰ ه. ق پس از درگذشت اسد بن عبدالله قصری امیر و والی خراسان شد و در زمان او دعوت عباسیان علیه امویان گسترش می یافت و او آنان را از وقوع خطر و شورش مردم مطلع می ساخت ولی به حرف او توجه نمی کردند، عاقبت ابومسلم بر خراسان مسلط شد و نصر از مرو به سال ۱۳۰ ه. ق بیرون شد و هر چه از بغداد و حکام و لایات درخواست کمک کرد او را پاسخ نگفتند تا اینکه بین ری و همدان مریض شد و در سن ۸۵ سالگی در شهر ساوه درگذشت، او شاعر و سخنوری توانا بود.

۳۴- منظور از «أمیه» خاندان اموی می باشد که آخرین خلیفه آنان مروان بن محمد بن مروان بن حکم است، او به سال ۱۲۶ ه. ق به خلافت رسید و در ماه ذی الحجه ۱۳۲ ه. ق به دست سپاهیان ابومسلم ایرانی کشته شد.

- ۳۵- شناخته نشد.
- ۳۶- در ارشادالاریب «تا» در کنت و اخطأت و عمدت هر سه فعل به ضمّ آمده ولی در الوافی بالوفیات در هر سه به فتح آمده است.
- ۳۷- بنی ثعل گروهی بودند از قبیلۀ طیّ که در تیراندازی ماهر و استاد بودند.
- ۳۸- شناخته نشد.
- ۳۹- خ ل: طریحا.
- ۴۰- معجم الادباء، ج ۱۳/ ۲۰۳ - ج ۱۸ / ۳۵ - الوافی بالوفیات، ج ۲ / ۲۴۴.

منابع

- ۱- آمدی، سیف‌الدین علی بن محمد (م - ۶۳۱ ه. ق). الإحکام فی اصول الأحکام، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۲- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی کرم شیبانی (م - ۶۲۰ ه. ق). الکامل فی التاریخ، تصحیح علی شیری، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ه.
- ۳- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد (م - ۵۹۷ ه. ق). المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۴- ابن حیان، ابوالشیخ عبدالله بن محمد بن جعفر (م - ۳۶۹ ه. ق). طبقات المحدثین باصبهان، مؤسسه الرساله بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۵- ابن حیان اندلسی، محمد بن یوسف (م - ۷۵۴ ه. ق). تفسیر البحرالمحیط، دارالفکر بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۶- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (م - ۶۸۱ ه. ق). وفیات الاعیان، دارصادر بیروت.
- ۷- ابن کثیر، حافظ ابوالفداء اسماعیل (م - ۷۷۴ ه. ق). البدایه و النهایه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۸- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم (م - ۷۱۱ ه. ق). لسان‌العرب، نشر ادب، الحوزة قم، ۱۴۰۵ ه. ق.
- ۹- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (م - ۳۸۰ ه. ق). الفهرست، به کوشش مرحوم رضا تجدد، تهران، ۱۳۹۳ ه. ق.

- ۱۰- ابو الفتوح رازی، حسین بن علی (م - نیمه اول قرن ششم ه.ق). تفسیر روح الجنان و روح الجنان، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد، ایران ۱۳۷۵ ه.ش.
- ۱۱- احمد بن یحیی بن مرتضی (م - ۸۹۰ ه.ق). طبقات المعتزلة، دارالمتنظر بیروت، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۲- ارموی، سراج الدین محمود بن ابی بکر (م - ۶۸۲ ه.ق). التحصیل من المحصول، تحقیق دکتر عبدالحمید علی ابوزید، مؤسسه الرسالة بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۱۳- امام فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (م - ۶۰۶ ه.ق). تفسیر مفاتیح الغیب (معروف به تفسیر کبیر)، در هشت مجلد، طبع آستانه، ۱۲۹۴ ه.ق.
- ۱۴- امام فخر رازی، فخرالدین محمد بن عمر (م - ۶۰۶ ه.ق). المحصول فی علم الاصول، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۱۵- انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (م - ۶۷۱ ه.ق). تفسیر الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۸ ه.ق.
- ۱۶- بغدادی، ابوبکر احمد بن علی خطیب (م - ۴۶۳ ه.ق). تاریخ بغداد، دارالفکر بیروت.
- ۱۷- بغدادی، اسماعیل بن محمد بن امین (م - ۱۳۳۹ ه.ق). ایضاح المکنون، طبع سوم، افسست، مکتبه اسلامیة و جعفری، تهران، ۱۳۷۸ ه.ق.
- ۱۸- بغدادی، اسماعیل بن محمد بن امین (م - ۱۳۳۹ ه.ق). هدیة العارفين فی اسماء المؤلفين و آثار المصنفين، طبع سوم، افسست، مکتبه اسلامیة و جعفری، تهران، ۱۳۸۷ ه.ق.
- ۱۹- تاج الدین سبکی، ابونصر عبدالوهاب (م - ۷۷۱ ه.ق). طبقات الشافعية الكبرى، چاپ داراحیاء الکتب العربیة قاهره.
- ۲۰- تنوخی، قاضی ابوعلی (م - ۳۸۴ ه.ق). نشوارالمحاضرة، دارصادر بیروت، ۱۹۹۵ میلادی.
- ۲۱- تهرانی، علامه آقا بزرگ (م - ۱۳۸۹ ه.ق). الدررعة الی تصانیف الشیعه، دارالاضواء بیروت.
- ۲۲- حاجی خلیفه مصطفی بن عبدالله، کاتب چلبی، (م - ۱۰۶۷ ه.ق). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، چاپ افسست، مکتبه اسلامیة و جعفری، تهران، ۱۳۸۷ ه.ق.
- ۲۳- حافظ ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (م - ۴۳۰ ه.ق). ذکر اخبار اصفهان، دارالکتب الاسلامی، قاهره، تصویر طبع لیدن.
- ۲۴- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی (م - ۱۲۹۵ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، دارالفکر بیروت، ۱۴۱۴ ه.ق.

- ٢٥- حلی، علامه ابو منصور حسن بن یوسف (م - ٧٢٦ ه.ق). *مبادئ الوصول الى علم الاصول*، دارالاضواء بیروت، ١٤٠٦ ه.ق.
- ٢٦- حلی، علامه حسن بن یوسف (م - ٧٢٦ ه.ق). *تهذیب الوصول الى علم الاصول*، نسخه خطی.
- ٢٧- حموی، یاقوت بن عبدالله (م - ٦٢٦ ه.ق)، *أرشاد الاریب*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- ٢٨- حنبلی، ابن عماد عبدالحمی بن احمد بن محمد (م - ١٠٨٩ ه.ق). *شذرات الذهب*، دار ابن کثیر بیروت، ١٤٠٦ ه.ق.
- ٢٩- خوری شرتونی لبنانی، سعید بن عبدالله (م - ١٣٣٠ ه.ق). *أقرب الموارد*، مکتبه لبنان، بیروت، ١٩٩٢ میلادی.
- ٣٠- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان (م - ٧٤٨ ه.ق). *دول الاسلام*، دارصادر بیروت، ١٩٩٩ میلادی.
- ٣١- ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان (م - ٧٤٨ ه.ق). *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد بجاوی، دارالمعرفه، بیروت.
- ٣٢- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان (م - ٧٤٨ ه.ق). *سیر اعلام النبلاء*، مؤسسه الرساله بیروت، ١٤٠٦ ه.ق.
- ٣٣- ذهبی، محمد حسین. *التفسیر و المفسرون*، دارالقلم بیروت، بی تا.
- ٣٤- رازی، ابوبکر احمد بن علی. معروف به جصاص (م - ٣٧٠ ه.ق) *أحكام القرآن*، افست، طبع اول، دارالکتاب العربی، بیروت.
- ٣٥- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (م - قرن پنجم اسلامی). *مفردات الفاظ القرآن*، با تحقیق و تصحیح صفوان عدنان داوودی، دارالقلم دمشق، ١٤١٢ ه.ق.
- ٣٦- زرکلی، خیرالدین (م - ١٩٧٦ میلادی). *الأعلام*، طبع سوم، بیروت، تحت نظر مؤلف ١٣٩٠ ه.ق، در ١٣ جلد.
- ٣٧- سرکیس، یوسف الیان (م - ١٣٥١ ه.ق). *معجم المطبوعات العربیة*، مکتبه مرحوم آیه الله نجفی مرعشی، قم، ١٤١٠ ه.ق.
- ٣٨- سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (م - ٥٦٢ ه.ق). *الانساب*، دارالکتب العلمیة بیروت، ١٤٠٨ ه.ق.

- ۳۹- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (م - ۹۱۱ ه.ق). بُغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۹ ه.ق
- ۴۰- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (م - ۹۱۱ ه.ق). طبقات المفسرین، دارالکتب العلمیة بیروت.
- ۴۱- شمس‌الدین داوودی، محمد بن علی بن احمد (م - ۹۴۵ ه.ق). طبقات المفسرین، دارالکتب العلمیة بیروت.
- ۴۲- شهرستانی، تاج‌الدین محمد بن عبدالکریم (م - ۵۴۸ ه.ق). تفسیر مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار در تفسیر سورة بقره.
- ۴۳- شیخ بهائی، بهاء‌الدین محمد عاملی (م - ۱۰۳۰ ه.ق). زیدة الاصول، چاپ سنگی، ایران، ۱۲۷۶.
- ۴۴- صفدی، صلاح‌الدین خلیل بن ابیک (م - ۷۶۴ ه.ق). الوافی بالوفیات، الشركة المتحدة للتوزیع، بیروت.
- ۴۵- طباطبائی تبریزی، علامه محمدحسین (م - ۱۴۰۲ ه.ق). تفسیر المیزان، مؤسسه علمی بیروت، ۱۳۹۳ ه.ق.
- ۴۶- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (م - ۵۴۸ یا ۵۰۲ ه.ق). تفسیر مجمع‌البیان، طبع صیدا، ۱۳۳۳ ه.ش.
- ۴۷- طوسی، شیخ الطائفة ابو جعفر محمد بن حسن (م - ۴۶۰ ه.ق). تفسیر التبیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۴۸- عسقلانی، ابن حجر شهاب‌الدین احمد بن علی بن محمد (م - ۸۵۲ ه.ق). لسان‌المیزان، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ه.ق.
- ۴۹- عسقلانی، حافظ شهاب‌الدین احمد بن علی بن حجر (م - ۸۵۲ ه.ق). إنباه الغمر بآباء العمر، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۰۶ ه.ق.
- ۵۰- عمادالدین اصفهانی، محمد بن صفی‌الدین محمد بن نفیس‌الدین حامد (م - ۵۹۷ ه.ق). خریدة القصر و جریدة العصر، فی ذکر فضلاء اصفهان، انتشارات میراث مکتوب، تهران، ۱۴۱۹ ه.ق.
- ۵۱- عمادی، ابوالسعود محمد بن محمد مصطفی (م - ۹۸۲ ه.ق). تفسیر ارشاد العقل السلیم فی تفسیر الکتاب الکریم، مطبوع در حاشیة تفسیر مفاتیح‌الغیب امام فخر رازی، چاپ آستانه، ۱۲۹۴ ه.ق.

- ۵۲- فاضل کاظمینی، جواد (م - ۱۰۶۵ ه. ق.). غایة المأمول فی شرح زبدة الاصول، نسخه خطی.
- ۵۳- فروخ، عمر. تاریخ الادب العربی، دارالعلم للملایین، بیروت، طبع پنجم، ۱۹۸۴ میلادی.
- ۵۴- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (م - ۸۱۷ ه. ق.). القاموس المحيط، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۵۵- قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف (م - ۶۴۶ ه. ق.). انباه الرواه علی انباه النحاه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالفکر، قاهره، ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۵۶- قمی، حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک (م - نیمه اول قرن نهم). ترجمه تاریخ قم، تصحیح سیدجلال الدین تهرانی، چاپ تهران، ۱۳۵۳ ه. ش.
- ۵۷- کتبی، محمد بن شاکر (م - ۷۶۴ ه. ق.). فوات الوفيات، دارصادر بیروت.
- ۵۸- گیلانی قمی، میرزا ابوالقاسم بن حسن (م - ۱۲۳۱ ه. ق.). قوانین الاصول فی علم الاصول، چاپ سنگی، ۱۳۰۱ ه. ق.
- ۵۹- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد بن حسین (متوفای نیمه دوم قرن پنجم هجری). محاسن اصفهان، تهران، ۱۳۵۲ ه. ق.
- ۶۰- مجلسی اصفهانی، علامه محمدباقر (م - ۱۱۱۰ ه. ق.). بحار الانوار، طبع دوم، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- ۶۱- میبدی، رشیدالدین (م - قرن ششم ه. ق.). تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار، مؤسسه امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ ه. ش.
- ۶۲- نظام نیشابوری، حسن بن محمد قمی (م - بعد از ۷۳۰ ه. ق.). تفسیر غرائب القرآن، چاپ سنگی، ۱۲۸۰ ه. ق.
- ۶۳- نیشابوری، ابو منصور عبدالملک (م - ۴۲۹ ه. ق.). یتیمه الدهر فی محاسن اهل العصر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۶۴- یافعی، عقیف الدین عبدالله بن اسعد (م - ۷۶۸ ه. ق.). مرآة الجنان و عبرة الیقظان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ه. ق.